

به نام خدا

تربیت شهروندی در گفتمان‌های انقلاب اسلامی (از منظر فلسفه تعلیم و تربیت)

مؤلف :

دکتر سجاد باباخانی

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۹

فهرست مطالب

پیشگفتار / ۵

مقدمه / ۸

فصل اول: شهروندی و تربیت شهروندی / ۲۷

تاریخچه شهروندی / ۲۸

مفهوم شهروندی / ۴۲

مفهوم تربیت شهروندی / ۵۲

اسلام و تربیت شهروندی / ۵۸

شهروندی و تربیت شهروندی از دیدگاه فلاسفه تربیتی / ۶۵

شهروندی از دید افلاطون / ۶۵

شهروندی از دید ارسطو / ۶۸

تربیت شهروندی در اندیشه روسو / ۷۱

تربیت شهروندی در اندیشه کانت / ۷۳

تربیت شهروندی در اندیشه هگل / ۷۵

تربیت شهروندی در اندیشه دیویی / ۷۶

تربیت شهروندی در مکاتب پراگماتیسم و اگزیستانسیالیسم / ۷۷

نظریه‌های شهروندی / ۸۱

نظریه شهروندی پیشامدرن / ۸۱

نظریه شهروندی مدرن / ۸۲

نظریه شهروندی پسامدرن / ۸۴

حقوق شهروندی / ۸۷

ابعاد و رویکردهای تربیت شهروندی / ۹۰

۱- رویکرد مدارس دموکراتیک / ۹۳

۲- رویکرد آموزش مستقیم سیاسی - مدنی / ۹۴

۳- رویکرد مسائل اجتماعی یا آسیب‌شناسی اجتماعی / ۹۴

۴- رویکرد آموزش قانون - محور / ۹۵

۵- رویکرد نظام دار تربیت شهروندی یا پژوهش تاریخی / ۹۶

اهداف تربیت شهروندی / ۹۷

مؤلفه‌های تربیت شهروندی / ۱۰۵

۱- دانایی محوری / ۱۰۸

۲- وطن دوستی / ۱۱۰

۳- قانون‌مداری / ۱۱۰

۴- مسئولیت‌پذیری و تعهد / ۱۱۱

۵- مشارکت / ۱۱۲

۶- انتقادگری و انتقادپذیری / ۱۱۲

فصل دوم: گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی / ۱۱۴

گفتمان‌های سیاسی غالب بعد از انقلاب اسلامی / ۱۱۵

گفتمان دفاع مقدس / ۱۱۷

گفتمان سازندگی / ۱۲۰

گفتمان اصلاحات / ۱۲۱

گفتمان عدالت محوری / ۱۲۱

گفتمان اعتدال / ۱۲۳

فصل سوم : تربیت شهروندی در گفتمان دفاع مقدس / ۱۲۶

فصل چهارم : تربیت شهروندی در گفتمان سازندگی / ۱۳۸

فصل پنجم : تربیت شهروندی در گفتمان اصلاح طلبی / ۱۴۹

فصل ششم : تربیت شهروندی در گفتمان عدالت محوری / ۱۶۰

فصل هفتم : تربیت شهروندی در گفتمان اعتدال / ۱۷۲

فصل هشتم: جمع بندی مقوله تربیت شهروندی در گفتمان های

پس از انقلاب / ۱۸۱

منابع و مأخذ / ۲۰۴

پیشگفتار

مفهوم شهروندی و تربیت شهروندی یکی از دیرپاترین مفاهیم سیاسی - اجتماعی است که از زمان شکل‌گیری فلسفه سیاسی در دوره کلاسیک به‌ویژه در آرای فلاسفه یونان باستان تا عصر معاصر به اشکال مختلفی درون نظریه‌های مندرج در این نوع فلسفه به کرات بازتولید تئوریک گردیده است. هر چند ممکن است نگاه نظریه‌پردازان مختلف نسبت به اهمیت این مفهوم متفاوت باشد اما به هر صورت جایگاه ویژه‌ی آن در نظام فکری بشر، نشان از اهمیت برجسته‌ی آن دارد. شهروندی و تربیت شهروندی در جامعه ایران باستان تاکنون با عناوین مختلفی در گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌های حاکم بر کشور مورد توجه قرار گرفته

است، بطوری که می‌توان گفت بعد از انقلاب اسلامی در ایران گفتمان‌های مختلفی ظهور یافته‌اند و هر گفتمان تحلیل خاصی از تربیت شهروندی ارائه نموده است. برای این منظور بر آن شده‌ایم تا با تحلیل اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی در گفتمان‌های غالب شکل گرفته بعد از انقلاب به تحلیل تربیت شهروندی در سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین پردازیم. و از این رهگذر خدمتی به انقلاب شکوهمند اسلامی نموده باشیم. و همچنین امید است مطالب این نوشتار مورد استفاده دست‌اندرکاران تربیتی کشور و دانشجویان و همچنین علاقه‌مندان به مقوله تربیت شهروندی قرار گیرد.

در تهیه و تدوین این اثر که مستخرج از رساله مقطع دکتری مؤلف در دانشگاه خوارزمی تهران، مرکز کرج می‌باشد. اندیشمندان و بزرگوارانی چون جناب آقای دکتر اکبر صالحی و جناب آقای دکتر یحیی قائدی و سرکار خانم دکتر سوسن کشاورز بهره‌های فراوانی برده‌ام که

لازم است از این عزیزان به خاطر همت والایشان در
راهنمایی اینجانب کمال تشکر را نمایم. همچنین از
اساتید بزرگوار، جناب آقای پرفسور سیدمهدی سجادی و
جناب آقای دکتر محسن فرمهینی فراهانی و جناب آقای
دکتر سعید ضرغامی نیز که از محضرشان استفاده نموده‌ام
سپاسگزاری نمایم.

رحم گردان بر قصور فهم ها
ای ورای عقل ها و وهم ها
قطره دانش که بخشیدی ز پیش
متصل گردان به دریای خویش

و بالله التوفیق
دکتر سجاد باباخانی
خرداد ۱۳۹۹

مقدمه

زندگی در جامعه امروز از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است، از آن جمله ارتقای روابط بین فردی و تعاملات است تا هر فرد با دقت و ظرافت خاصی در زندگی همراه با تفاهم به تعامل با دیگر افراد بپردازد و موجبات پیشرفت و ارتقای جامعه را فراهم سازد. این چنین فرآیندی از طریق آموزش شهروندان امکان پذیر است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

شهروندی به عنوان یکی از مهمترین عرصه‌های سیاسی اجتماعی عصر ماست که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعابیر مختلف حقوقی، سیاسی و فلسفی رواج داشته است. صاحب نظرانی که چگونگی تحول مفهوم شهروندی را بررسی کرده‌اند در این نکته مشترک‌اند که

شهروندی هم حق افراد را برای برخورداری از حقوق به رسمیت می‌شناسد و هم مسئولیت جمعی شهروندان را که اداره با ثبات امور بر آنها مبتنی است (شیانی، ۱۳۸۸: ۱). آموزش شهروندی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان در جامعه امروز است، بر این اساس این مؤلفه از مباحث اساسی جامعه شهری در هر دوره تاریخی از زندگی انسان می‌باشد. این مسئله از قرن ۱۹ در جوامع صنعتی و شهرنشینی از اهمیت فراوانی نسبت به دوره‌های تاریخی گذشته جهان برخوردار گردیده است، همین امر منجر به پیدایش و ضرورت نظام مهارت‌های شهروندی گردید. با توجه به اینکه هر جامعه‌ای با عنایت به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود شهروندان خاص با خصوصیات ویژه پرورش می‌دهد، و این امرضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه هر کشوری می‌باشد، باید آموزش‌های شهروندی حساب شده‌ای را برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظر گرفت (خطیب زنجانی،

آموزش و تربیت شهروندی سرمایه‌گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است، برای اینکه شهروندان جامعه را به حقوق شهروندی‌شان آشنا کنیم، و از شهروندان جامعه این انتظار را داشته باشیم که متعهد و مسئول باشند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه‌های مختلف را ترویج دهیم و یا به طور کلی در هر جامعه‌ای ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل کنیم؛ پس نیازمند آموزش شهروندی و تربیت شهروندمداری می‌باشیم» (خطیب زنجانی، ۱۳۸۵).

شهروندی زائیده زیستن در دنیای معاصر است. شهروندی با تأکیدی تازه در تلاش است با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را

هموار سازد. شهروندی طرح سؤالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌ها، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (Combs, 2001). شهروندی با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است. (Parker, 2003) شهروندی وظایف و مسئولیت‌ها را در بین افراد جامعه توزیع می‌کند و در نهایت امکان مشارکت افراد در فعل و انفعالات اجتماعی را فراهم می‌سازد (Kukathas, 2001., Mcdonald, 1999). شهروندی بر تعهد به وظیفه‌ای که برای دیگران مناسب است دلالت دارد، مهربانی و تدبیر را نشان می‌دهد و خدمات مطلوبی را به جامعه عرضه می‌کند (Summers, 2002). شهروندی نخستین بار برای ایجاد انسجام و روح جمعی میان افراد جامعه در علوم اجتماعی مطرح شد (Minkler, 1998). این مفهوم خیلی سریع در حوزه تعلیم و تربیت رواج پیدا

کرد، به طوری که امروزه از جمله مهمترین اهداف پاره سیستم‌های آموزشی به شمار می‌رود (Whitney, 2000).

تربیت شهروندی از عناصر و مباحثات مختلفی بوجود می‌آید (Sears and Hebert, 2005). و بسته به ماهیت نظام‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، شکل‌ها و ماهیت‌های مختلف و متنوعی به خود می‌گیرد (Tse, 2001). تربیت شهروندی تحت تأثیر انقلاب‌های مختلف بوده است بطوری که در طول دو یا سه قرن گذشته انقلاب‌ها، برخی از بزرگترین تغییرات اجتماعی را در تاریخ جهان پدید آورده‌اند. انقلاب‌های آمریکا و فرانسه، به ترتیب در سال‌های ۱۷۷۶ و ۱۷۸۹ مهمترین انقلاب‌های قرن هجدهم بودند. برخی از اندیشه‌های رهبران آنها بعدها تأثیر زیادی بر جای گذاشتند. مفاهیم آزادی، شهروندی و برابری که این دو انقلاب به خاطر آنها نبرد می‌کردند به صورت اساسی‌ترین ارزش‌های سیاسی مدرن درآمدند (شبکه

رشد، ۱۳۹۷). بنابراین می‌توان گفت ظهور انقلاب‌های مختلف در جوامع بدلیل ایجاد تحولات در زمینه سیاسی بر نحوه تربیت شهروندی آن جامعه تأثیر بسزایی خواهد داشت. انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران، که تحت عنوان «گفتمان انقلاب اسلامی» مورد شناسایی قرار گرفت و زمینه‌ساز شکل‌گیری نظامی بر پایه اصول اسلامی در ایران است، با عمری در حدود چهار دهه، استقرار دولت‌ها و خرده گفتمان‌هایی چند را در بطن نظام و گفتمان غالب خود تجربه کرده است که در عین مبنا قرار دادن اصول گفتمان مادر (گفتمان انقلاب اسلامی)، هریک رویکردها و سیاست‌های منحصر به فردی برای تحقق اهداف اولیه و عالیة نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله تربیت شهروندی و تحقق حقوق شهروندی، از خود ارائه داده‌اند.

تربیت شهروندی و شناخت ابعاد و اصول شهروندمداری امروزه نقش مهمی در تقویت روح جمعی و وجدان جمعی جامعه می‌تواند داشته باشد، ویژگی‌های

شهروندی و شهروندمداری بخش جدایی ناپذیر از الگوهای زندگی جمعی است که باید حکومت‌ها و دولت‌ها در قالب نهادهای اجتماعی و سازمان‌های ذیربط موظف به بسط تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی آن باشند؛ این ویژگی‌ها از همان دوران کودکی و سنین آغازین، تعلیم و تربیت داده می‌شود. تربیت شهروندی و الگوهای آن در جامعه اینگونه است که اول: آموزش‌های شهروندی منجر به شناخت زندگی فردی، اجتماعی، فرهنگی، ملی، دینی و مدنی در کشور می‌شود که جزء اولین اصول مهارت‌هایی است که باید آموزش و پرورش به دانش‌آموزان آموزش دهد. دوم: بخش دیگری از این مهارت‌ها شامل سلامت جسمانی و بهداشت فردی و زیست محیطی است، که باید آموزش و پرورش اینگونه مهارت‌ها را به افراد یک جامعه در قالب برنامه‌ریزی درسی حفظ نماید و توسعه ببخشد، تا از این طریق رضایت از زندگی برای افراد یک جامعه علی‌الخصوص در یک جامعه شهری که پیامدها

و مشکلات آنان روبه افزایش است برای فرد و دیگران آسان کند. سوم: باید افراد یک جامعه یاد بگیرند که به نظم و قانون‌مداری و عدالت در همه حال توجه کنند، و در تمام امور که انجام آن را برعهده دارند احساس مسئولیت نمایند. چهارم: در این گروه باید آموزش و پرورش مناسبات اجتماعی، همدردی، کمک‌رسانی، رشد مهارت‌های زبانی و سایر ارتباطات انسانی را جهت تعامل مؤثر و ثمر بخش بصورت برابر گونه بین افراد یک جامعه تقویت و بسط دهد. پنجم: در این بخش نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی باید شهروندان جامعه را با هویت و شخصیت فردی، خانوادگی و اجتماعی از همان کودکی - نوجوانی و جوانی آشنا کنند، فرزندان ما را به مهارت‌های شغلی و آینده‌نگری تشویق کنند؛ که این مسئله باعث نهادینه گردیدن دقت، نظم و مسئله‌پیگیری و نوآوری در افراد شده که منجر به شکل‌گیری هویت اجتماعی و اقتصادی افراد می‌گردد. ششم: حکومت و دولت در قالب

سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی چون آموزش و پرورش و آموزش عالی و... باید شرایطی را فراهم کند که شهروندان بتوانند به درستی خود را بشناسند و بر اساس شناختی که از استعدادها و خلاقیت‌های خود دارند شیوه زندگی خود را در قالب اهداف «کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت» در راستای تحقق آرزوها، سعادت انسانی و توسعه همه جانبه پی‌ریزی نمایند. هفتم: بخش دیگری از مهارت‌های شهروندی بدین‌گونه در زندگی اجتماعی است که شهروندان را به تفکر درست، واقع بینانه، منطقی و هوشیارانه همچنین خلاق و انتقادی جهت توانایی حل مسائل مجهز کند. هشتم: وظیفه دولت این است که برای اینکه شهروندان را به آموزش مهارت‌های زندگی شهروندی در یک جامعه دموکراسی گونه تشویق و ترغیب نماید از مشارکت خانواده، بهره‌گیرد. زیرا تأثیرات انکارناپذیری این نهاد بر چگونگی دستیابی مهارت‌های زندگی و شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد از همان

دوران کودکی اثرگذار است» (لطف آبادی، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰).

نهاد آموزش و پرورش بعنوان مؤثرترین نهاد در اجتماعی کردن افراد نقش مهمی را ایفا می کند که عملکرد اشتباه این نهاد تأثیر مستقیم بر روی سایر نهادهای جامعه خواهد داشت. اگر مدارس کارکرد اجتماعی کردن افراد را به درستی انجام ندهد، افرادی به جامعه تحویل می دهند که نه تنها یک شهروند وظیفه شناس برای جامعه نخواهند بود بلکه به وظایف خود درآینده بعنوان پدر و مادر آگاه نیستند و موجبات نابسامانی اجتماعی را فراهم می سازند. نظام تعلیم و تربیت کشور در اشکال رسمی و غیر رسمی بی گمان با تربیت شهروندی به عنوان محوری ترین و بنیادی ترین رسالت خویش مواجه است. درحقیقت منظور از تشکیل نظام آموزش و پرورش کشور آماده سازی شهروندان برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی (حرفه ای)، سیاسی و فرهنگی است از این رو می توان

نتیجه گرفت که جامعه مدنی اساساً به شهروندان فعال و متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز دارد و هم از این رو امکانات و توجیه لازم را برای شکل‌گیری و توسعه نظام آموزش و پرورش فراهم می‌آورد و از سوی دیگر نظام تربیتی آئینه تمام‌نمای ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه است و وظیفه تربیت شهروندان را برای زیست در جامعه و فعالیت مؤثر بر عهده دارد (فتحی واجارگاه و دیبا واجاری، ۱۳۸۱).

حال با توجه به آنچه در مورد تربیت شهروندی گفته شد و با نظر به اینکه بعد از ظهور پدیده انقلاب اسلامی تحولاتی در اهداف و برنامه‌های تربیت شهروندی صورت گرفته و چنین تحولاتی موضوع تربیت شهروندی را دستخوش تغییرات اصلی و اساسی نموده است، این مسئله مطرح می‌شود که گفتمان‌های غالب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مفهوم تربیت شهروندی را با تأکید بر کدام جنبه‌های تربیت شهروندی بازنمایی کرده‌اند. و

این گفتمان‌ها در نحوه بازنمایی مفهوم تربیت شهروندی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. و مقوله‌ها و شاخص‌های تربیت شهروندی به چه نحوی در گفتمان‌های اخیر مطرح شده‌اند. دغدغه اصلی پژوهش حاضر ناظر بر توصیف ویژگی‌های گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی و نیز تعیین شرایط تاریخی - اجتماعی است که اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی بعد از انقلاب در آن تولید و مصرف شده‌اند و تبیین نمودن جایگاه و اهداف گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. از این رو این پژوهش درصدد تحلیل گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد.

امروزه اهمیت موضوع شهروندی به حدی است که در بسیاری از ادبیات موجود و مدون در سال‌های نخستین هزاره سوم تأکید ویژه‌ای به آن شده است

(نیکنامی و مدانلو، ۱۳۸۷). اتریونی^۱ (۱۹۹۸) نشان داد که تربیت شهروندی از اهمیت والایی برخوردار است و اظهار می‌دارد کودکان را باید به گونه‌ای تربیت کرد که در اجتماع شرکت کنند، افرادی که نه تنها ارزش‌های مورد ستایش جامعه را دارا باشند بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثری را به نمایش بگذارند. در سایه چنین برداشتی است که از نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت، مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه‌های مختلف آن است، مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است. از این رو آنچه می‌تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل‌گیری و توسعه مدارس را در دوران کنونی توجیه کند، تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن به عنوان «مدرسه زندگی» است. بی‌توجهی به

این امر و سوق دادن برنامه‌های درسی مدارس به سوی موضوعات و مباحث نظری و حاکمیت و سیطره نظام مبتنی بر آزمون‌های استاندارد مثل کنکور برای ورود به مقاطع تحصیلی دیگر، تأثیر مخربی بر نظام آموزش و پرورش داشته است و سبب گشته است تا آموزش مهارت‌های زندگی و تربیت شهروندی برای زیست مؤثر دانش‌آموزان آن طور که باید مورد توجه و امان نظر قرار نگیرد و عملاً بخش عمده‌ای از منابع نظام آموزشی صرف توسعه رشد شناختی دانش‌آموزان و در نتیجه فروگذاری سایر ابعاد رشد گردد. این نگاه تک بعدی و بیمارگونه به فرآیند تربیت در مدارس، همانطور که منتقدان برجسته‌ای چون «پائولو فریره»^۱ از آن یاد می‌کنند، مدارس را تبدیل به مکان‌های ویژه‌ای چون بانک‌ها نموده است که در آن معلمان در نقش سپرده‌گذار و دانش‌آموزان به عنوان سپرده‌گیر عمل می‌کنند. امروزه تعلیم و تربیت شهروندی

1. Paulo Freire

با درک چالش های جامعه مدرن که برخی از آنها ذیلاً مطرح می گردد، درصدد است تا اصول اساسی شهروندی را در افراد نهادینه کند. این چالش ها عبارتند از:

- امروزه انقلاب اطلاعات، ارتباطات و تکنولوژی بر جامعه تأثیر عظیمی گذاشته است.

- امروزه الگوهای کار و تجارب تغییر یافته است و اقتصاد جهانی بر روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی تأثیر شگرفی گذاشته است.

- امروزه افراد موانع ملی را درک کرده و در مقابل آن واکنش سریع نشان می دهند.

- امروزه نقش و موقعیت زنان در جامعه تغییر کرده است.

- امروزه جمعیت جهانی روبه رشد است و پیامدهای ناشناخته ای بر محیط زندگی انسان ها باقی می

گذارد.

- امروزه شکل‌های جدید جامعه ظهور می‌یابد و اعتراضاتی را نیز به همراه خود دارا است.

هدف تعلیم و تربیت شهروندی پرورش شهروندان خوبی است که بتوانند در مقابل چالش‌های فوق عملکرد مناسبی از خود نشان دهند (فتحی و اجارگاه و واحدچوکرده، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

با توجه به ساختار و محتوای نظام آموزش و پرورش و طولانی مدت بودن برنامه‌های آموزشی برای نسل کودکان، نوجوانان و جوانان نسبت به سایر نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان می‌رود، به نظر می‌رسد تربیت اجتماعی و به تبع آن تربیت شهروندی از اهمیت اساسی برخوردار است.

امروزه به علت مسائلی همچون گسترش فوق العاده فناوری اطلاعات، دهکده جهانی و مسائل مشترک جهانی همچون آلودگی محیط زیست، صلح و امنیت جهانی باعث شده که تربیت شهروندی نه تنها در سطح ملی و محلی بلکه در سطح بین المللی نیز مورد توجه قرار گیرد (David, 1995). در جامعه ایران که از اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی و قومی تشکیل شده است تحقیق درباره ایده شهروندی و آموزش آنها از ضرورت و اهمیت علمی، اجتماعی و سیاسی خاصی برخوردار است. تربیت شهروندانی که حقوق مساوی و برابر تمامی هموطنان خود را به رسمیت شناخته و احترام می‌گذارند، ضرورت حیاتی دارد. همچنین آشناسازی دانش آموزان با حقوق شهروندی زمینه و بستر مناسب را برای تربیت «شهروند خوب»، برقراری نظم و امنیت در جامعه، افزایش مشارکت مدنی افراد، احترام و رعایت حقوق سایر شهروندان کشور را فراهم می‌سازد. به طور خلاصه می‌توان بیان کرد، به

دلایل ذیل تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است:

- تربیت شهروندی با تقویت و پرورش توانایی تحلیل منطقی و تفکر انتقادی، آنان را در حل مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی جامعه و ایجاد تغییر و تحول در آنها، تواناتر می‌سازد.
- افراد با آموزش شهروندی، با حقوق و تکالیف و مسئولیت‌های خود در قبال جامعه و یکدیگر بهتر آشنا می‌شوند، و بدین وسیله نظم اجتماعی روند رو به رشدتری به خود می‌گیرد.
- تربیت شهروندی افراد را در استیفای حقوق خویش توانا می‌سازد.
- براساس هویت شهروندی افراد ساکن در یک کشور از حقوق برابر برخوردار خواهند شد. با توجه به این آموزش شهروندی در کشوری

نظیر ایران که جامعه‌ای مملو از گوناگونی‌های فرهنگی و قومیتی است، ضرورت دارد.

– با هویت شهروندی، در عرصه سیاسی و اداره امور می‌توان مسائل و مشکلات جامعه را بدون توسل به خشونت حل و فصل کرد.

– آموزش شهروندی دانش آموزان را به مهارت‌های اجتماعی، ارتباطی و گفتگویی، پذیرش تنوع و تکرار و احترام و روحیه تحمل عقاید مخالف مجهز می‌سازد (خوچم لی، ۱۳۸۸).

فصل اول:

شهروندی و تربیت شهروندی

تاریخچه شهروندی

مفهوم «شهروندی»^۱ یکی از دیرپاترین مفاهیم سیاسی- اجتماعی است که از دوران یونان باستان تاکنون مورد توجه شمار زیادی از اندیشمندان سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. هرچند ممکن است دیدگاه نظریه پردازان گوناگون نسبت به اهمیت این مفهوم متفاوت باشد، اما به هر صورت جایگاه ویژه‌ی آن در نظام اندیشه‌ی بشر، نشان از اهمیت برجسته‌ی آن دارد (گلشن فومنی، ۱۳۷۵: ۱۷). اولین فیلسوف و متفکر سیاسی که به مفهوم شهروند در تئوری‌های سیاسی پرداخته است افلاطون بود. وی در کتاب جمهوری شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و

1. citizenship

حکومت مطلوب قرار می‌دهد. ارسطو نیز شهروند را کسی می‌داند که در حکمرانی و فرمانبرداری سهیم باشد. نقاط عطف مفهوم شهروند و شهروندی آتن سده چهارم، دوره رنسانس، استقلال آمریکا و انقلاب فرانسه است. ارسطو نیز بر این عقیده است که انسان به عنوان شهروند در دولت شهرکسی است که در تصمیم‌گیری در امور عمومی جامعه مشارکت دارد و متناوباً در اعمال قدرت نیز شرکت می‌کند، در غیر این صورت انسان حیوان زبان بسته‌ای خواهد بود. او درباره آموزش شهروندی درجایی می‌گوید: در این باره همگان متفقند که آموزش و پرورش کودکان از مسائلی است که بیش از هر چیز دیگر باید محل اعتنای قانونگذار باشد. اولاً غفلت از امر تربیت همیشه به حکومت‌ها سخت زیان می‌رساند. آموزش و پرورش شهروندان هر حکومت باید به شیوه‌ای متناسب با مبانی و اصول آن حکومت انجام گیرد (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷: ۲۴ و ۲۵). اما رواج ویژه مفهوم شهروندی و

جامعه مدنی در زمان معاصر، غالباً به اندیشه‌های سیاسی متفکران اروپایی قرن هفدهم به خصوص «تامس هابز»^۱ و «جان لاک»^۲ برمی‌گردد که در نزد آنان، جامعه مدنی ناظر به جامعه‌ای است که در آن علاوه بر حاکمیت قانونی در حوزه‌های عمومی، در حوزه حقوق اختصاصی افراد نیز برقرار است. هابز بر آن بود که افراد، بخشی از حقوقی را که در وضع طبیعی از آن برخوردارند، به حاکم واگذار می‌کنند و به این ترتیب، حکومت به ظهور می‌رسد. اما مواردی از حقوق آنان همچون آزادی خرید و فروش و معاملات با یکدیگر، آزادی گزیدن خوراک، مسکن و شغل و آزادی آموختن فرزندان به شیوه‌ای که صلاح می‌دانند. به عنوان حقوق خصوصی برقرار می‌ماند (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۲۵). در طول قرن نوزده و بیست، سه پیشرفت قوی سیاسی، آموزش شهروندی را

1. Thomas Hobbes

2. John Locke